



پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۴

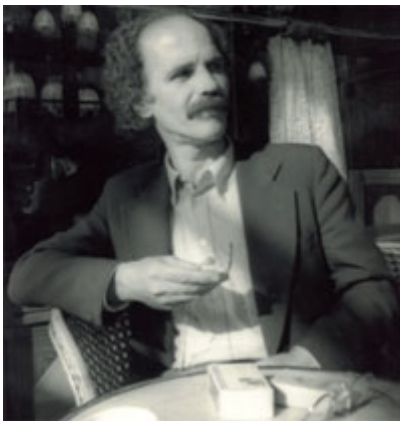
پرونده

پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۴

شرح

یاد آنکه خانه‌ای نداشت

[پیام رهنما](#)



یادی از هوشنگ گلشیری به مناسبت پانزدهمین سال خاموشی او

هوشنگ گلشیری اسفندماه 1316 در اصفهان متولد می‌شود و در چهار-پنج سالگی همراه خانواده به آبادان کوچ می‌کند. او در «نگاهی به حیات خود» می‌نویسد: «از دوره‌ی آغازین اصفهان خاطره‌ی چندانی ندارم، چون همه با اقوال مادر در آمیخته است و در رمان هنوز منتشر نشده‌ی جن‌نامه از آن سود جسته‌ام (که هنوز تمام نشده است) اما اقامت در آبادان از 1321 تا 1334 باید شکل دهنده‌ی حیات فکری و احساسی من باشد.» و البته این سال‌ها نیز در بخش‌های آغازین رمان جن‌نامه نمود پیدا می‌کند. گلشیری پس از چند کار موقتی - از جمله کار در دفتر اسناد رسمی- در سال 1337 به استخدام آموزش و پرورش در می‌آید و یک سال بعد، در 1338 دبیر ادبی خود را می‌گیرد. اما سال 1338 برای گلشیری، از این حیث که با انجمن‌های ادبی اصفهان آشنا می‌شود و بعدها نیز فعالیت ادبی خود را در کنار کسانی چون محمد حقوقی، ابوالحسن نجفی و ... گسترش می‌دهد، سال مهمی به حساب می‌آید. او در این سال‌ها شعر، داستان کوتاه و یادداشت‌هایی برای این روزنامه و آن مجله می‌نویسد. داستان کوتاه «چنار» شاید نخستین داستانی است که او در «پیام نوین» و در سال 1339 به چاپ می‌رساند. هوشنگ گلشیری در بهمن‌ماه 1340 به اتهام عضویت در حزب توده دستگیر می‌شود و شهریورماه سال 1341 را در زندان‌های اصفهان و قزل قلعه‌ی تهران به سر می‌برد. او در همین سال، مدرک لیسانس‌اش در رشته‌ی ادبیات فارسی را می‌گیرد و در انتشار «جنگ اصفهان» که اصولن از شاعران و نویسندگان نواندیش تشکیل شده بود، همکاری می‌کند. دفتر اول جنگ، در تابستان 1344 و با یادداشت‌هایی از محمد حقوقی، اورنگ خضرایی، مجید نفیسی، هوشنگ و احمد گلشیری و دیگران به چاپ رسیده و شماره‌ی دوم آن نیز در زمستان همان سال و با آثاری از منوچهر آتشی، بهرام صادقی، نیما یوشیج، یدالله رویایی، ابوالحسن نجفی، ابراهیم گلستان و ... روانه بازار مطبوعات می‌شود. گلشیری پیرامون «جنگ اصفهان» و جلسات این حلقه می‌نویسد: «با انتشار جنگ اصفهان در 1344 این جلسات شکل جدی‌تری گرفت و بعدها با پیوستن نجفی و به همت او حاصل تجربه‌های ما انسجام بیشتری گرفت؛ توجه به خود نوشته، اقبال به شکل نمایشی و نه گزارشی، نشان دادن به جای روایت کردن چیزی، پذیرش حضور پنهان نویسنده، توجه به انسجام اثر، ارج نهادن به زبان هم به معنای اصالت زبان در شعر و داستان و هم به معنای جستجوی زبان خاص هر صاحب‌قلم، از اهم معتقدات ما بود. حقوقی، دوست‌خواه، کلباسی، احمد و هوشنگ گلشیری، موحد،

میرعلایی و نجفی از اعضای ثابت این جلسات بودند. از نسل دوم جنگ اصفهان تراکمه، شیروانی، فرخفال، مجید نفیسی در «یادم مانده‌اند و بالاخره نسل سوم با کسانی چون کوشان، ضیایی و دیگران تا 1353 ادامه یافت».

بعدها این جلسات از سال‌های 1353 تا 1356 در تهران و با حضور کسانی چون داریوش آشوری، محمدعلی سپانلو و رضا سیدحسینی شکل دیگری به خود گرفت. دو داستان «شب شك» و «مثل همیشه» برای نخستین بار در جنگ اصفهان، اولی در دفتر چهارم و «مثل همیشه» در دفتر پنجم، در تابستان 1346 به چاپ می‌رسد. گلشیری در همین زمان مقاله‌ی «سی‌سال رمان‌نویسی» را در بررسی بوف‌کور، ملکوت و سنگ صبور می‌نویسد. او در این باره می‌گوید: «وقتی من «شازده احتجاب» را می‌نویشم باید تکلیفم را با بوف‌کور تعیین می‌کردم، باید تکلیفم را با بهرام صادقی و سنگ صبور صادق چوبک تعیین می‌کردم؛ به همین دلیل هم مقاله‌ی «سی‌سال رمان‌نویسی» را نوشتم». در اواخر بهمن 1346 گلشیری بیانیه اهل قلم علیه برگزاری «کنگره جهانی نویسندگان و شعرا و مترجمان» که به واسطه حکومت وقت برگزار شده بود را امضا می‌کند. این بیانیه موجب به وجود آمدن هسته‌ی اولیه‌ی کانون نویسندگان ایران می‌شود.

گلشیری در خرداد 1347 داستان کوتاه «پرنده فقط يك پرنده بود» و در زمستان همان سال «مردی با کراوات سرخ» را به چاپ می‌رساند. او در پنجم اسفند ماه 1352 دوباره دستگیر و به 6 ماه زندان محکوم می‌شود. گلشیری در میان این سال‌ها (47-52) مجموعه داستان مثل همیشه (1347)، رمان شازده احتجاب (1347) و رمان «کریستین و کید» (1350) را منتشر می‌کند. «شازده احتجاب» تحسین بسیاری از منتقدین و اصحاب ادبی آن زمان را برانگیخت و تا سال‌ها بعد نیز بسیاری همچنان این رمان را شاهکار گلشیری می‌دانستند.

شازده احتجاب» از معدود آثار داستانی در آن برهه بود که نویسنده‌اش از ابزار و فنون داستان‌نویسی مدرن - خصوصاً روایت جریان سیال ذهن- به شکلی آگاهانه بهره می‌گیرد و از این حیث، رمان (داستان بلند) موفق‌تر از روانه‌ی بازار کتاب می‌کند. گلشیری از نخستین نویسندگان است که با تأکید بر فنون داستان‌نویسی و ابزار داستان‌نویسی، مساله فرم را بیش از پیش در تحلیل و بررسی آثار داستانی مد نظر قرار می‌دهد و نمود عینی این بخش از اندیشه نویسنده‌ی او نخستین بار در «شازده احتجاب» متجلی می‌شود. او در «کریستین و کید» نیز همچنان مصرانه سعی در به کارگیری تکنیک‌های داستان‌نویسی مدرن دارد. پر بیراه نیست اگر «کریستین و کید» را موفق‌ترین رمان عاشقانه معاصر بخوانیم؛ رمانی که هرگز تن به وجوه احساسات گریزناهی راجح در این دست قصه‌ها نمی‌دهد.

گلشیری سال 1354 «نمازخانه کوچک من» را به چاپ می‌رساند. این مجموعه شامل داستان‌هایی با عنوان «نمازخانه کوچک من»، «عکسی برای قاب عکس خالی من»، «هر دو روی سکه»، «گرگ»، «عروسک چینی من»، «معصوم اول»، «معصوم دوم»، «معصوم سوم» و «معصوم چهارم» (که چهار داستان آخر صرفاً با اعداد 1، 2، 3 و 4 نام‌گذاری شده) می‌شود. داستان‌های به چاپ رسیده در این مجموعه نشانگر نهایت توانایی گلشیری در انتخاب سبک، توازن فرم و محتوا و توانایی‌های او در زمینه‌ی تکنیک‌های داستان‌نویسی است.

گلشیری در همین سال (1354) نمایش‌نامه‌ی «سلامان و ابدال» و سپس فیلم‌نامه‌ی سایه‌های بلند باد (هر دو چاپ نشده) را می‌نویسد و در 1356 یکی از مهم‌ترین رمان‌هایش یعنی «بره گمشده راعی» (جلد اول: تدفین مردگان) را به چاپ می‌رساند. «بره گمشده راعی» را می‌توان شروع دوران تازه‌ای در داستان‌نویسی گلشیری دانست؛ دورانی که او در آن بیشتر از همیشه در ترکیب شیوه‌های روایی غربی و شرقی از خود ممارست نشان می‌دهد.

گلشیری که در پی ماجرای دستگیری و حبس 6 ماهه در اسفند 52، به 5 سال محرومیت از حقوق اجتماعی و حکم تعلیق از آموزش پرورش محکوم شده بود، در سال 1357 و پس از پایان این حکم، در هنرستان فنی اصفهان شروع به تدریس می‌کند. او چندی بعد، در آبان همان سال با فرزانه طاهری ازدواج می‌کند و از این ازدواج صاحب دو فرزند با نام‌های باربد و غزل می‌شود. داستان بلند «معصوم پنجم یا حدیث مرده بردار کردن آن سوار که خواهد آمد» یکسال بعد در 1358 منتشر می‌شود. گلشیری در این اثر که تحریر آن 4 سال به طول انجامید، با زبانی مطلقن کلاسیک - و از این حیث جسورانه- به بازنمایی مضامین معاصر در چارچوب متون کهن دست می‌زند. باز خورد این اثر در میان اصحاب ادبی گرایش‌های متفاوتی را برانگیخت؛ از نقدهای سلبی گرفته تا تمجیدهایی از شیوه‌ی بدعتگرانه روایت و زبان تجربی آن.

نشست‌های ادبی کانون که بعدها به جلسات پنج‌شنبه‌ها معروف شد، در سال 1361 از سر گرفته می‌شود و تا سال 1367 ادامه می‌یابد. در این نشست‌ها کسانی چون بزرگنیا، پورمقدم، زراعتی، صفدری، محمدعلی، عظیمی، نفیسی، سپانلو، روبین، روانی‌پور و مندنی‌پور حاضر می‌شوند و آثاری از نجفی، پارس‌پور، دولت آبادی، دریابندری، براهنی، رادی، دانشور و مدرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مرداد سال 1367 حکم انفصال دائم از خدمات دولتی برای هوشنگ گلشیری صادر می‌شود و این زمینه را فراهم می‌کند تا بالاخره او بیش از پیش و به صورت تمام وقت به فعالیت‌های ادبی و داستان‌نویسی روی بیاورد. گلشیری در همین سال مجموعه داستان «جبه‌خانه» و سال بعد داستان بلند «حدیث ماهیگیر و دیو» را منتشر می‌کند.

مسئولیت صفحات ادبی ماهنامه‌ی مفید که انتشار آن تا 10 شماره ادامه می‌یابد، در سال 65 به گلشیری واگذار می‌شود. او در ادامه‌ی این روند سردبیری یک شماره از ارغوان (خرداد 1370)، فصلنامه‌ی زنده‌رود؛ شماره‌های 4، 5، 6، 7، 8، 9 (بهار 72) و ماهنامه‌ی کارنامه (دی ماه 77) را بر عهده می‌گیرد.

مجموعه داستان «پنج گنج» در سال 68 و در سوئد منتشر می‌شود. گلشیری در همین سال به دعوت سازمان آیدا برای شرکت در برنامه‌ی تبادل فرهنگی ایران و هلند به این کشور سفر می‌کند و در چند شهر دیگر اروپا نیز به سخنرانی و داستان‌خوانی می‌پردازد. او همچنین در فروردین 69 به همین منظور به چند شهر در آلمان، سوئد، دانمارک و همچنین دانشکده مطالعات ایرانی در دانشگاه سوربن در پاریس سفر می‌کند. گلشیری در همین زمان فیلم‌نامه‌ی دوازده رخ و در سال بعد (1370) رمان متفاوت در ولایت هوا؛ تفننی در طنز را در سوئد منتشر می‌کند.

در فروردین 1371 سفرهای خارجی گلشیری ادامه می‌یابد و این‌بار دانشگاه‌های مختلفی میزبان او هستند. او طی سفری که به آلمان و آمریکا دارد در کنفرانس سیرا در هوستون تگزاس، دانشگاه هاروارد، دانشگاه راتگرز، دانشگاه کلمبیا، دانشگاه شیکاگو و برکلی و همچنین در چندین شهر سوئد و آلمان به ایراد سخنرانی و داستان‌خوانی می‌پردازد.

رمان «آینه‌های دردار» در تابستان 71 و به صورت همزمان در ایران و آمریکا به چاپ می‌رسد. این رمان را گلشیری در شهریور ماه 1370 می‌نویسد. «آینه‌های دردار» از پخته‌ترین آثار گلشیری است. او در این زمان بیشتر از همیشه به داستان‌نویسی در سبک خودش تسلط پیدا می‌کند و حالا یکی از بدیع‌ترین رمان‌هایش را به نگارش درمی‌آورد. رمان‌های «جن‌نامه» و «آینه‌های دردار» از مهم‌ترین رمان‌های گلشیری‌ست که در سال‌های پایانی عمر او نوشته می‌شوند و بخش مهمی از منویات و دغدغه‌های او پیرامون داستان‌نویسی در این دو تجلی می‌یابد؛ به گونه‌ای که می‌توان این دو اثر را - به لحاظ ماهوی- گویای اندیشه‌های یک عمر داستان‌نویسی گلشیری به حساب آورد.

سال 1374 «درستایش شعر سکوت» (نظریه‌ای در نقد شعر) و مجموعه داستان «دست تاریک، دست روشن» به چاپ می‌رسد. گلشیری در فروردین 1376 به دعوت بنیاد «هاینریش بل» و در پی سفر به آلمان، رمان «جن‌نامه» را پس از 13 سال به پایان می‌رساند و در همین زمان برنده جایزه «هلن-هوت» می‌شود. او در این سال‌ها نیز همچنان به شهرهای مختلف آلمان، هلند، سوئیس و فرانسه برای ایراد سخنرانی و داستان‌خوانی سفر می‌کند. در زمستان 1376 رمان «جن‌نامه» در سوئد و کتاب «جدال نقش با نقاش» در آثار سیمین دانشور به چاپ می‌رسد و پاییز 78 نیز مجموعه مقالات گلشیری تحت عنوان باغ در باغ در دو مجلد روانه بازار کتاب می‌شود.

گلشیری در 18 خرداد 1379 در گورستان امام زاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

تگ ندارد

[بازگشت به صفحه اول](#)

نشانی الکترونیکی: [honarrooz\(at\)gmail.com](mailto:honarrooz(at)gmail.com)